« سونات »

درقرون شانزدهم وهفدهم هر نوع قطعهٔ موسیقی سازی که برای ساز ویلن نوشته میشد سنات خوانده میشدکه مشتق از کلمه و فعل « بصدا درآوردن » (Sonner) میباشد، زیرا درآن دوره نواختن ویلن را در زبانهای لاتینی « Sonner » مینامیدند . نواختن ساز های « کلاویه» دار ، ازقبیل پیانو نیز «Toucher» خوانده‌میشد وازهمینرو هر نوع‌قطعهٔ موسیقی‌سازی که برای کلاوسن و پیانو نوشته میشد « توکاتا » (Toccata) نام میگرفت .

دو اصطلاح مزبور بتدریج در طی قرون بعدی تغییراتی پیدا کرد و آنچه که ما امروزه بنام «سنات» میشناسیم شباهتی بامفهوم ابتدائی آن ندارد .

«سونات» دراوائل قرن‌هفدهم برای‌اولین‌باردرایتالیا ازترکیب«کانزون» و « سوئیت » وجود آمد . کانزون دراصل ایتالیائی ومتعلق به‌قرن شانزدهم میباشد وضمناً ازآوازهای پولیفونیك فرانسوی محسوب میشود و «سوئیت» نیز عبارتست ازتوالی حرکات (Mouvements) رقص که دارای حالاتی مختلف و متفاوت است ولی ازلحاظ «تنالیته» وحتی ترکیب مشابه هم میباشد وفورم‌مزبور ازتمام فرمهای سازی که مرکب ازچند موومان میباشد قدیمی‌تر بوده واصل آن از قرون وسطی سرچشمه میگیرد وضمناً بفرم دوتائی (Binaire) تصنیف میشود . سونات درحقیقت برای یك ساز نوشته میشود ولی سوناتهائی‌راکه برای بیشتر از یك ساز نوشته میشود بنام «دوئو» ، «تریو» ، « کوآتوئور » ، « کوئینتت » و «سکتوور» ... نامیده‌اند با درنظر گرفتن این موضوع که « فرم » و نقشه اصلی تغییری نکند . « فرم سنات » بمعنای اخص فرمی است که در تصنیف سنفونی و کنسرتووغیره بکار میرود .

دراواخر قرن هفدهم سونات «فرم» کوچکی است که ازآن بعنوان مقدمه یا «انترلود» دریك اثر آوازی ازقبیل «کانتات» یا «اپرا» استفاده میشود و در سال ۱۶۵۰ آلمانیها آنرا دراول سوئیت یاپارتیتای خودشان میآورند لکن چندی بعد سنات به‌سوئیت‌هائی اطلاق گردیدکه دارای «موومان» متعدد بوده وجنبهٔ رقصی نداشته باشد .

مقارن همان اوقات درحدود سال ۱۶۷۰ ایتالیائیها دو نوع سنات‌داشتند
۱ ـ سنات کلیسائی (Sonate da Chiesa) .
۲ ـ سنات مجلسی (Camera « «) که درحقیقت سوئیت رقص بود .

باوجود اینها «فرم»های موردبحث نکات مشترکی نیز داشتند ازجمله‌هردو بطور معمول دارای چهار «موومان» بودندکه بطور متناوب تند و بطئی بودورسم چنین بودکه این قطعات‌را برای ویلن و « باس‌کنتینو » یابرای دوویلن و « باس کنتینو» بنویسند (سونات برای سه‌ساز) ودربعضی جاها ویولن ارجحیت داشت .

دراواخر قرن۱۷ «کوپرن» سنات ایتالیائی را درفرانسه رواج دادوچندی بعد آلمانیها بفرم مزبور وسعت بیشتری دادند و «Kuhnau» سنات‌برای کلاوسن تنهارا بوجود آورد وباخ نیز اولین سنات ویولن وکلاوسن‌را مینویسد بالاخره در اواسط قرن هجدهم سنات تحولی پیداکرده وفرم کلاسیك خودرا بدست میآورد و ازآن ببعد رابطه سنات وسوئیت که راه زوال‌را می‌پیمودگسسته میشود . باظهور استادانی مانند « ف. امانوئل باخ » ، «بوکرینی» و «استامیتز» ترکیب سه‌تائی (Ternaire) ودوتم‌دار (Bithématique) سنات صیقل‌یافته واصل«دولوپمان» که نزد استادانی چون هایدن وموزار وبتهون ارزش زیادی پیدا میکند ، شروع به‌تجلی مینماید و بامقدماتی که ذکر شد بالاخره « فرم‌سنات» قدم بعرصه وجود میگذاردکه ازاواخر قرن ۱۸ ترکیب نمونه وسرمشق برای موسیقی مجلسی وحتی موسیقی سنفونیك میشود .

یکی ازمصنفین بزرك فرانسوی فرق اصلی سوئیت وسنات‌را درسه نکته‌ذیل بیان میکند :

۱ ـ تقلیل یافتن تعداد موومانها به‌سه وچهار (بعضی اوقات پنج) .
۲ ـ ظهور سبك «گلانت» (Galante) (بجای سبك پولیفونیك باروش فوگ) .
۳ ـ ظهور تدریجی « قطع سه‌تائی » که درابتدا دارای یك‌تم وبعد شامل دوتم میشود .

مصنف مزبور معتقد است که « کرلی » اولین کسی بوده که اصل « Réexposition » را درترکیب سه‌تائی بوجودآورده است .

موضوع قابل اهمیت درباره جدا شدن سنات ازسوئیت اینست‌که استادان ایتالیائی وآلمانی قرون ۱۷ و۱۸ کم‌کم عناوین رقص‌را ازروی سناتهای مجلسی برداشته وبذکرسرعت موومان‌ها قناعت‌کرده‌اند وباتعویض‌نام «آلماند» (که یکی ازقسمتهای سوئیت است) به «الگرو» و «سارابانده» به «آداژیو» یا « ژیگ » به «پرستو» (Presto) حالت موسیقی رقص‌را ازسوئیت دور ساخته وبالمآل در روح فرم اثرکرده وآنرا دگرگون ساخته‌اند .

سونات ماقبل دوره‌کلاسیك ـ قرن ۱۷ عصر سنات های «تریو» است که

برای دو ویلن ویك باس مداوم (ازقبیل ویولنسل که توسط کلاوسن ، ارگ یـا عود همراهی میشد) نوشته شده . این نوع سنات اساساً پولیفونیك است درحالیکه سنات برای یك ویلن وباس مداوم که ازاوائل قرن۱۸ متداول میشود بطرف‌زبان «مونودیك» تری متمایل میگردد .

آثـار «کرلی» (اواخر قرن ۱۷) بطرز خوبی تمایلات این دوره ماقبل کلاسیك‌را به میان سنات وسوئیت از لحاظ ترکیب فرقی نمیگذارد منعکس میسازند درحقیقت درآن‌موقع فرم سنات‌مورد تجزیه قرارگرفته وکرلی بمنظور ایجادتعادلی مرتباً «قطع»های جدیدی را مورد آزمایش قرارمیدهد واگر اغلب موومان های سونات‌های مجلسی‌اش طبق سنت معموله فرم بینر (دوتائی) سوئیت‌را بخود میگیرد بعضی دیگر دارای ترکیب سه تائی « A . B . A » است که اکسپوزیسیون اولی دراغلب موارد به‌تنالیته نسبی ختم میشود .

درزمان کرلی سنات اغلب‌ازچهار موومان‌ترکیب میگردید وبعضی‌سوناتهای کلیسائی وتعداد زیادتری ازسوناتهای مجلسی پنج موومان یابیشتر داشته‌اند ولـی لازمست این موضوع‌را بخاطر بسپاریم که ترکیبات فوق همه از مغز کرلی تراوش نکرده وبسیاری ازآهنگسازان قبل ازاو این‌ترکیبات‌را مورداستفاده قرارداده‌بودند وآثارکرلی درحقیقت ترکیبی ازتجربیات دیگران است.

سونات ماقبل‌کلاسیك‌راکه دارای یك‌تم واحد است میتوان باین‌شکل مجسم نمود :

۱ - اکسپوزیسیون : (Exposition)

الف - تم A درتنالیته اصلی

ب - قسمت B که منتجه A است وبطرف نمایان‌متمایل میشود (پل)ومعمولا اکسپوزیسیون درتنالیته نمایان خاتمه می‌یابد .

۲ - دیورتیسمان : (Divertissement)

این قسمت ازلحاظ مقام متغیر بوده وتقلید (Imitation) هائی است از A وB که وسائل برگشت به‌تنالیته اصلی را فراهم میسازد .

۳ - راکسپوزیسیون (Réexposition) :

الف - تم A درتنالیته اصلی است .

ب - B نیز درتنالیته اصلی است .

فرم سنات‌کلاسیك - دراولین نظر اینطور استنباط میشود که سنات ماقبـل کلاسیك وسنات‌کلاسیك هرکدام تابع‌طرح مخصوصی‌است ولی اگرمطالعه‌مختصری درباره تحول این‌فرم بعمل آوریم خواهیم دید که فرم ماقبل‌کلاسیك بدون سروصدا بفرم کـلاسیك تبدیل شده است توضیح اینکه درسنات ماقبل‌کلاسیك تم اول بطرف نمایان یاتنالیته نسبی سوق داده میشد و این تنالیته جدید بتوسط یك طرح ثانوی (B) تثبیت میشدکه خود طرح اخیر از «A» تم واحد سرچشمه میگرفت وقرن ۱۸ تاریخچه آزاد ومستقل شدن B را از A وپیداشدن دوتم‌را بیان میکند .

بود ، ازاعضای یکی ازاین ، کادمی‌ها بود که موفق‌شد درطی مراسم شادمانی که بمناسبت عروسی پادشاه فرانسه با « ماری دومدیسی » ترتیب یافته بود ، « اوریدیس » اولین نمایش کم و بیش شبیه به اپرا را بروی صحنه بیاورد و شهرت و موفقیت بسیار یابد .

دوك « مانتو » از شاهزاده ها ـای مشهور ایتالیائی ، که درنمایش اخیر-الذکر شرکت داشت بقدری به این‌سبك تازه علاقه مند شدکه تصمیم گرفت آنرا در کاخ شخصی‌خود نیز معمول نماید . وی یکنفرموسیقی‌دان پراستعداد را باسمت رئیس موسیقی کلیسا در خدمت خود داشت که نامش « کلودیو مونته‌وردی » بود (Cl . Monteverdi) و از وی خواست که اثری شبیه نمایش « اوریدیس » وبرروی همان موضوع بنویسد .

«مونته‌وردی» این‌مهم را برعهده گرفت وبرروی همان مضمون و داستان ، اپرائی باسم «اورفئو» نوشت که موفقیتی فوق‌العاده بدست آورد . زیرا دراین نمایش‌جدید شنوندگان موسیقی برهیجانی می‌یافتند که جنبه‌ای نمایشی داشت ، بخشهای آوازی هیچ نوع حالت تصنعی نداشت و عوامل ادبی و نمایشی و موسیقی کل واحد و متوازنی‌راتشکیل‌میدادند.موفقیت این نمایش تثبیت و رواج فورم اپرا و بقا و دوام‌آنرا بصورتی قطعی نوید میداد . در « اورفئو»ی « مونته وردی » موسیقی بمتن‌کلام برجستگی وجلوه‌ای پرقدرت می‌بخشید و« ارکستراسیون » جذاب ورنگارنگ‌آن‌دورتادور این نمایش آوازی ، محیطی ماوراء الطبیعی ایجاد مینمودکه شنوندگان را مفتون میساخت. «مونته وردی» هنرمندی نابغه بودکه موفق‌شده بود یکپاره همهٔ تمایلات هنری‌موجود دردورهٔ خود راگردآورد و « اورفئو» نمونه و سرمشقی جامع برای فورم اپرا بود .

« مونته وردی» در«کرمون » ایتالیاکه موطن سازندگان آلات موسیقی مشهوریست چشم بجهان‌گشوده و در محیطی هنری پرورش یافته بود . وی استادی مسلم بودوکمال‌تکنیك خود را درهمهٔ انواع موسیقی مذهبی وغیرمذهبی نشان داده است . وی با اینکه آثار ، پولیفونیك ، بسیار گرانبها و استادانه‌ای نوشته است

درموسیقی نمایشی وابرا سبك «مونودیك» را نیز باچیره دستی بسیار بکار می بست .

اغلب آثار پراهمیت وی از بین رفته است ولی قسمت بسیار ناچیزی از آثار وی که باقی مانده اهمیت استثنائی دارد . گذشته از «ارفئو» ازابراهای وی «اولیس» و« تاج گذاری پوپه » هم ازخطر نابودی مصون مانده و بدست ما رسیده ولی متأسفانه از ابرای « آریان » وی آواری بیش باقی نمانده است . مشهوراست که هنگامیکه « مونته وردی» بتصنیف این آواز اشتغال داشت زن جوانش که در حال احتضار بود بدرود زندگی گفت و«مونته- وردی» این آوازرا دربرابر بسترمرگ همسرمحبوبش نوشته است وحالت استغاثه یاس آمیز آن ازاین واقعه نشانی درخود دارد .

اعتدال و قدرت هیجانی که هنر « مونته وردی » به ابرا بخشید و همچنین نوبرداز یهای «آرمونیکی» که وی برای موسیقی دانان نسل های آینده از خود بیادگار گذارد ویرا نه فقط ازخادمان هنرو موسیقی بشمار آورده بلکه ازپیش- قدمان جسور هنر اصوات ساخته است که کشفیات نبوغ آمیز موجب شناسایی موسیقی- دانان امروزاست .

« مونته وردی » عمری بسیار باافتخار و احترام گذارنده و پس از اینکه از خدمت « دوك مانتو » در آمد مدت سی سال با سمت موسیقی دان

« مونته وردی »

کلیسای « سن مارك » درو نیز بکار برداخت و ازآن پس بهشت روحانیون درآمد و زندگی را با صفا و آرامش روحانی بدرود گفت . بس ازوی عدهٔ کثیری ازموسیقی دانان پراستعداد ایتالیائی درراه حاصل خیزی که وی گشوده بود قدم نهادند که شاید مشهور ترازهمه « الساندرو سکارلاتی » (پدر « دومینیکو » باشد که صد و پانزده اپرا نوشت و کوشید که « استتیك » مصنف « اورفئو » را محترم بدارد . این کوشش بیهوده نبود زیرا موفقیت های فوق العادهٔ فورم اپرا ، بدان جنبه ای عامیانه داده و از محیط های اشرافی بیرون کشیده بود . تآترهای عمومی وعامیانه که بنمایش اپرا دست میزدند و عامهٔ مردم را بخود جلب میکردند ، قدرت مالی لازم جهت حفظ و تأمین خصوصیات وصفات هنری اپرا را نداشتند و ازهمینرو پس از « مونته وردی » این نوع جدید موسیقی نمایشی اندکی بانحطاط گرائید .

مقارن این احوال موسیقی دانان فرانسوی نسبت باین شیوهٔ نوظهور بی اعتنا نبودند. گفتیم که پیدایش اپرا تاحدی غیرمستقیم آمدیون فعالیت های بعضی ازشخصیت ها و محافل فرانسوی بود . ولی اگر این فورم درایتالیا بمنصهٔ ظهور رسید این امر شاید بیش ازهمه باین علت باشد که درآن دوره موسیقی دانی که نبوغ و قریحهٔ خلاق « مونته ـ وردی » را داشته باشد در فرانسه یافت نشد ! ولی « رقصهای درباری » (Ballets de cour) که درفرانسه رواج داشت نمایش هائی کاملا غنائی (لیریك) و با اندك کوششی قابل تغییر باپرا بود . این کاری بود که « ژان باتیست لولی » (Lully) انجام داد .

« لولی » اصلا ایتالیائی بود شاهزاده ای بنام « شوالیه دوگیز » ویرا بفرانسه آورده بود. « شوالیه دوگیز » درایتالیا بوی برخورده وازهوش وزرنگی اش خوشش آمده وبه راه خود این کودك ۱۱ ساله را بفرانسه آورده و همچون ارمغانی بیکی ازخانمهای درباری هدیه کرده بود . « لولی » خردسال چندی بعد باسمت شاگرد آشپز بدربار راه یافت ولی بتدریج موردتوجه لوئی چهاردهم قرار گرفت تا جائی که وی هیچگاه حاضر نمیشد ازاین دلقك پرمحبت خود جدا شود . چندی بعد « لولی » بسمت مدیر مجالس عید دربار « ورسای » منصوب شد وپس ازاینکه بتبعیت فرانسه درآمد ریاست موسیقی شاه را نیز بعهده گرفت . ازآن پس « لولی » برفعالیت های موسیقی پاریس حکمروائی مطلق یافت ومدت هشت سال باهمکاری « مولیر » اپرا ـ باله ها و نمایش های بسیار پرارزشی بوجود آورد. باوجود زندگی خصوصی برماجرا ودور ازاخلاقی که « لولی » داشت ، پیوسته مورد لطف و توجه لوئی چهاردهم بود تاجائی که ازطرف وی بعناوین اشرافیت مفتخر شد و فقط یك حادثه حرفه ای بود که بدین زندگی درخشان خاتمه داد . باین معنی که وی هنگام رهبری ارکستر کلیسائی بی آنکه بخواهد، بپای خود زخمی وارد آورد که منجر بمرگش گردید ... توضیح آنکه در آن دوره برای رهبری ارکستر و زدن ضرب ازچوبدستی بزرگ وسنگینی

استفاده میکردند که برزمین کوبیده میشد و «لولی» که موسیقی‌دانی عصبانی و بدخلق بود درحین رهبری چنان اعصابش تحریك شده بود وچوبدستی را باچنان شدتی میکوفت که یکی از این ضربه‌ها که اشتباهاً بپایش خورده بودموجب شکستگی انگشت پایش گردید، منجر بعفونتی شد که ... بمرگش انجامید!..

شاگرد آشپز خردسال پس‌ازورود بپاریس، برای ترقی‌ازهیچ حیله‌ووسیله‌ای چشم نمی‌پوشید. بااستفاده ازپشتیبانی ونظرلطف لوئی چهاردهم، وی بصورت یك «دیکتاتور» موسیقی‌درآمده بود وهرنوع مانعی‌را ازسرراه ترقی خود برمیداشت. فی المثل وی مایل بود که انحصار نمایش «ایرا» ونمایش‌های غنائی را بدست آورد ولی، کشیشی «پرن» نام که مؤلف موضوعهای ایرا بود، انحصار این کاررا ازمدتها پیش دراختیار خود داشت. «لولی» برای آنکه سند مالکیت وانحصار موردنظر خود را بدست آورد کاری کرد که ویرا، بااستفاده ازتأخیر درپرداخت وامی که داشت، زندانی ساختند، سپس درزندان بملاقات وی‌رفت‌و بمکر وتدبیردرمقابل مبلغ ناچیزی سند انحصار ومالکیت مورد علاقه خود را از وی بازخرید ...

این فلورانسی حیله گر، بهیچکس اجازه هیچگونه رقابتی نمیداد هنگامیکه «ماری‌دومدیسی» و «مازارن» وزیر دربار برآن شدند که بعضی‌از نخستین‌سازندگان ایرای‌ایتالیائی‌را بفرانسه‌دعوت کنند، «لولی» بمخالفت‌برخاست و وعده داد که خود ایراهائی بنویسد که باذوق وسلیقه فرانسویان متناسب‌تر باشد. وی مدعی بود که‌فرانسویان آنقدر موسیقی‌دان نیستند که بتوانند نمایشی‌را که سرتاسر توأم با آواز باشد تحمل نمایند وبرخلاف عامه ایتالیائی علاقهٔ وافری نسبت بآواز ندارند، بعلاوه‌درفرانسه

ایجاد هنرهای «موزون» ونمایشی ما ـ موسیقی ، باله وتآتر ـ بامسائلی مربوط میشود که درمورد همهٔ این هنرها همانند ویکسان است و آن ، بطور کلی عبارتست ازبازیافتن سنن ملی وتسلط برفن و «تکنیك» بین‌المللی. هنرستان بالهٔ ادارهٔ کل هنرهای‌زیبا برای انجام‌دادن‌قسمتی‌ازاین کار ، مرجعی صالح وشایسته میباشد .

ك . هورمزد

عکسها از ارحام صدر

ازچپ براست : آقای «دالر» ، خانم « پاترسون » ، آقای احمدزاده ، خانم احمد زاده ومدیر مجلهٔ موسیقی